

مقصومه متین نژاد

سوزه
روز

ساعت نزدیک دوازده ظهر است و مثل همیشه منتظر اتوبوسم. همین طور که از سر وقت کشتی به گوشه و کنار سرک می کشم، چشمم به مردی میان سال می خورد که تا کمر در یکی از مخازن زباله خم شده است. برای اینکه واکنش بقیه را هم ببینم، دنبال نگاه تازه ای می گردم. چند قدم آن طرف تر، زنی داخل ایستگاه نشسته است. همین که برمی گردم نگاهش کنم، به نشانه تأسف سری تکان می دهد، متوجه منظورش می شوم.

سطل زباله مدنظر نزدیک ر ستورانی قرار گرفته و ناگفته پیداست که از درون آن چه چیزهایی خارج می شود. مرد همه ظرف های یک بار مصرف غذا را روی زمین خالی کرده است و با وسواس زیاد در حال بسته بندی آن هاست تا فضای کمتری بگیرند؛ همان تفکیک زباله ای که ما باید در خانه انجام بدهیم و نمی دهیم. صحنه مشمنز کننده ای است. چند دقیقه بیشتر نمی گذرد که مرد با کوله باری سنگین راهش را به سمت آن طرف خیابان کج می کند. بار و بنه اش را داخل پرایدی سفید و تمیز می گذارد و پشت فرمان می نشیند و می رود. دوباره برمی گردم و به زن نگاهی می اندازم تا واکنشش را ببینم؛ هردو به هم لبخندی معنادار می زنیم و به مسیری چشم می دوزیم که قرار است شاید تا لحظاتی دیگر اتوبوسی در آن نمایان شود. چند ماهی می شود که با کمی تغییر در کیفیت و کمیتش در هر گوشه ای از کوچه پس کوچه های شهرمان شاهد چنین صحنه هایی هستیم. صحنه هایی ناراحت کننده و بسیار تأمل برانگیز که در رقم خوردن بخشی از آن ها، ما شهر و ندان و در بخشی دیگر، مدیریت ضعیف مسئولان شهری و وضع سخت اقتصادی نقش دارد؛ موضوعی که قرار است در این پرورنده کمی بی پرده درباره آن با هم حرف بزنیم.

زباله گردها چگونه متولد شدند؟

اگر به طبقه بندی های حافظه بلند مدت تان سرک بکشید، حتما خاطراتی از زباله گردهای قدیم را در آن می یابید، افرادی که از شدت گرسنگی در سطل های زباله به دنبال غذایی می گشتند و اگر جوانمردی هم پیدا می شد که تکه نانی دستشان بدهد، تا وعده بعدی، باز زباله ها کاری نداشتند. ولی قصه این روزهای زباله گردها بسیار متفاوت شده است، ۹۹ درصد آن ها در پی چیزی به جز غذا هستند، هر چند قرار است با آنچه روزی شان می شود، خوراکی، پوشاکی یا جای خوابی برای خود تأمین کنند و شاید هم خرج اعتیادشان را بدهند.

اینکه به زباله ها طلای کثیف می گویند، حرفی پر بیراه نیست، حلالی خواهد زباله تر باشد که می شود آن را به یک کود آلی تبدیل کرد یا زباله خشک که داستان یک معدن حفاری شده آماده استخراج را دارد. بنابراین هر طور که به زباله نگاه کنیم، یک سرمایه نهفته است که باید به کارش گرفت تا درآمدزایی کند. حالا اگر قرار باشد به هزارویک دلیل مسئولان شهری ما از این گنج های پنهان سراغی نگیرند، نباید توقع داشت که فرصت طلب های نان به نرخ روز خور، چشمشان

۸/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ دلار

اهمیت ندادن و نبود سازوکارهای به روز در امر باز یافت سبب شده است فقط یک پنجم از پسماندها باز یافت شوند و هزینه ای معادل ۸میلیارد دلار سالانه در کشور دفع شود.

۷۰ درصد

از زباله های جمع آوری شده در مشهد، ۷۰ درصد را مواد آلی و پسماند تر و ۳۰ درصد را زباله های خشک تشکیل می دهند که فقط ۲۰ درصد آن ها وارد چرخه باز یافت می شود.

۲۵/۰۰۰/۰۰۰ تن

آمارها نشان می دهد تولید زباله در ایران سالانه ۲۰ میلیون تن و گردش مالی آن معادل ۱۰ میلیارد دلار است.

۲۰%

۳۰%

کیسه به دوش های یقه خاکی

با مدیریت درست زباله ها در خانه

از اضافه شدن زباله گردها در شهر جلوگیری کنیم

طرح: رضا چنگی / شهرآر

زباله ها

چقدر ارزش مالی دارند؟

۱۷۵۰ تن

روزانه در شهر مشهد حدود ۱۷۵۰ تن زباله مخلوط و حدود ۲۴۰ تن زباله باز یافتی جمع آوری می شود.

۲/۴ درصد

کودکان سهم ۲,۴ درصدی از ارزش باز یافت پسماندها دارند. در حالی که یک سوم جمعیت زباله گردها را تشکیل می دهند.

۲۰۰/۰۰۰ نفر

باز یافت کامل پسماندها می توان سالانه برای حدود ۲۰۰ هزار نفر در کشور شغل ایجاد کرد، هر تن زباله ۱۰ شغل پایدار.

اگر قرار باشد عوامل درگیر در امر باز یافت پسماندها از ارزش آورده این صنعت سهمی بردارند، کمترین میزان آن متعلق به شهرداری هاست

(این تقسیم بندی بدون احتساب آورده فعلی شهرداری ها از کارخانه های پسماند است)

زباله گردها، وانتی ها، چرخی ها و کودکان

۱۵/۶ درصد

کارفرمایان یا صاحب کاران

۵۴/۵ درصد

پیمانکاران

۲۱ درصد

شهرداری ها

۸/۹ درصد

با این وضع چه باید کرد؟

کار فرهنگی در موقعیت کنونی برای زباله گردها یا کارفرمایان آن ها، چیزی در حد تعریف لطیفه ای بی مزه است. استفاده از زور هم هیچ وقت راهکار نبوده است. بنابراین گام نخست برای حل کردن این معضل، کار فرهنگی برای خودمان و خانواده هایمان است، چون دود این آتش بیش از هر کسی، چشم خودمان را می سوزاند. منظورمان از کار فرهنگی، کمی تلاش بیشتر برای باز یافت بهتر زباله ها و پسماندهایی است که روزانه تولید می کنیم و هیچ وقت هم حواسمان به سرنوشت آن ها نیست.

بگذاریم. در غیر این صورت، زباله های تر را باید شب ها داخل مخازن زباله گذاشت تا صبح اول وقت جمع آوری شوند و فرصت زیادی برای جولان زباله گردها نباشد. ● جداسازی پسماندهای خشک بهترین و کم خرج ترین روش برای باز یافت

همچنین در تولید زباله های تر هم باید بیشتر دقت کرد. به عبارت دیگر، باید زباله کمتری تولید کرد و افزون بر این، اگر در مناطقی زندگی می کنیم که هنوز شهرداری در ساعت معینی زباله ها را از در خانه تحویل می گیرد، در ساعت مشخص شده آن ها را بیرون

● جداسازی پسماندهای خشک و تر از آنجایی که زباله گردها فقط به دنبال زباله های خشک هستند، می توان با جداسازی درست این پسماندها و تحویل آن ها به مراکز مجاز باز یافت، آن ها را برای جست و جوی بیشتر در سطل ها و مخازن زباله نا امید کرد.

● جمع آوری هفتگی از در خانه در این روش، خود روهایی جمع آوری زباله خشک، هر هفته بر اساس برنامه ای مشخص به محله های مختلف سر می زنند و در مقابل باز یافت زباله های خشک کالاهایی مانند نمک و پلاستیک باز یافت به آن ها تحویل می دهند. ● مراجعه به ایستگاه های مبادله روش دیگر، مراجعه مستقیم ما به مراکز جمع آوری باز یافت است. در این روش

مسئولان شهری چه می کنند؟

اگر بخواهیم سهم ۵۰ درصدی خودمان در جایگاه شهروند را در

به وجود آمدن معضل زباله گردی و

گسترش روز افزون آن بپذیریم، بدون احتساب وضعیت بد اقتصادی، باید سهمی برابر هم برای مسئولان شهری مان قائل شویم که با کم توجهی یا سوء مدیریت خود این وضع را رقم زده اند، زیرا نخست اینکه نتوانسته اند مدیریت و نظارت قوی بر پیمانکاران خود در بخش باز یافت یا انبارهای ضایعاتی داشته باشند. دوم، در زمینه فرهنگ سازی در جامعه برای شناساندن ارزش واقعی باز یافت به مردم موفق ظاهر نشده اند. سوم، جمع آوری زباله ها از در خانه در ساعت های مشخص، به محله هایی خاص محدود شده است و خیلی ها مجبور به ریختن زباله هایشان در مخازن زباله تعبیه شده در هر محله هستند که ساعت مشخص هم ندارد. چهارم، مخازن زباله بدون هر گونه طراحی و حفاظی برای جلوگیری از دسترسی زباله گردها و حیوانات به زباله ها هستند. با همه این ها، بی انصافی است اگر نگوییم شهر مشهد همچنان جزو تمیزترین کلان شهرهای کشورمان محسوب می شود، زیرا حدود ششصد یابکان هم اکنون در دونوبت صبح و شب در مناطق مختلف شهر در حال رسیدگی به نظافت و تمیزی آن هستند.

نکته پائانی که نمی خواهیم در این ماجرا نادیده گرفته شود، ظرفیت بزرگ زباله گردها در چرخه باز یافت است. بدون آنکه نیاز باشند آن ها را به اجبار از این دایره حذف کرد. به عبارت دیگر، با سامان دهی درست آن ها از طریق کارفرمایانشان که باید با نظارت و مدیریت شهرداری ها باشد، می توان هم ظاهر این فرایند را قانونی و زیبا کرد و هم از هدر رفتن ۸۰ درصد پسماندهای باز یافت شدنی در وضعیت کنونی پیشگیری کرد.

اطلاعات و آمار بخش شهری این گزارش به کمک کارشناسان خدمات شهری مشهد تهیه شده است.

راه های تحویل پسماندها

در یافت باز یافت ها بیایند.

گفتنی است در این روش متناسب با وزن باز یافت ها، اعتبار کاربر را شارژ می کنند که می توان برای خرید شارژ تلفن همراه، اینترنت، پرداخت قبض یا امور خیریه از آن استفاده کرد. در صورت تمایل نداشتن به استفاده از این خدمات هم، پول نقد آن به شماره شبای بانکی فرد واریز می شود.

پیش می بریم، بهتر است از این روش استفاده کنیم: ابتدا کلمه «هوشمند»، را به سامانه پیامکی سازمان مدیریت پسماند به شماره ۳۰۰۸۲۲۸ بفرستیم. سپس یکی از برنامه های کاربردی «اکو»، «بروب» و «بازست»، را انتخاب و نصب کنیم که برای این منظور طراحی شده اند. بعد هم مکان و زمان تحویل باز یافت ها را تعیین کنیم تا کارگزاران این سامانه ها در زمان مقرر برای

هر چه میزان پسماند تحویلی ما بیشتر باشد، از تخفیف های بیشتری در هنگام خرید از این ایستگاه ها هم برخوردار می شویم. بیشترین تخفیف ۴۵ درصد است که در صورت تحویل ۱۲۵ کیلوگرم پسماند خشک در شش ماه به غرفه های باز یافت، شامل حالمان خواهد شد.

● جمع آوری هوشمند

اگر جزو آن دسته افرادی هستیم که همه کارهایمان را با تلفن همراه